

# مراکز آموزشی قرآن کریم

دکتر ابوالفضل خوش منش

## چکیده

برخی مساجد و مکان‌های مذهبی در زمینه‌ی آموزش قرآن برتری یافتند؛ مثل: مسجد النبی، مسجد الحرام، مسجد جامع بصره، مسجد جامع کوفه، مسجد جامع فسطاط، مسجد الاقصی و قبة الصخره، جامع اموی، جامع زیتونه و جامع قیروان، جامع ابن طولون، جامع الازهر و بارگاه حضرت علی علیه السلام. عمده‌ی کشورهای اسلامی تاکنون میراث فرهنگی خویش را در زمینه‌ی شیوه‌ی سنتی آموزش قرآن حفظ کرده‌اند که از آن جمله می‌توان به کشور سودان، تونس، عربستان و ایران اشاره کرد.

همین شیوه‌ی سنتی مناسب‌ترین شیوه‌ی آموزش قرآن به شمار می‌رود و توانسته است تعلیمات قرآن را در جوامع اسلامی رواج دهد؛ به همین رو خیلی زود توجه استعمارگران به قرآن کریم و مراکز آموزش آن جلب شد و آنان را واداشت که به تربیت و اعزام جاسوسانی کارگشته جهت بررسی این موضوع و اجرای نقشه‌های بعدی پردازند.

کلید واژه‌ها: آموزش قرآن، شیوه‌ی سنتی آموزش، مکتب‌خانه

## ۱. مقدمه

با این‌که آموزش قرآن، امری همگانی بوده است، برخی مساجد و مکان‌های مذهبی در این زمینه برتری یافتند؛ مثل: مسجدالنبی در مدینه، مسجدالحرام در مکه، مسجد جامع بصره، مسجد جامع کوفه، مسجد جامع فسطاط، مسجدالاقصی و قبة الصخره در بیت‌المقدس، جامع اموی دمشق، جامع زیتونه و جامع قیروان در تونس، جامع ابن طولون در قطنع، جامع الازهر در قاهره و بارگاه حضرت علی علیه السلام در نجف اشرف.

بررسی در تاریخ این مساجد حاوی نکاتی ارزشمند در زمینه‌ی کیفیت تعلیم قرآن است. در صدر اسلام، آموزش در مساجد، ویژه‌ی مردان نبود؛ بلکه زنان مسلمان نیز مجاز بودند، به مساجد بروند و به سخنان پیامبر صلی الله علیه و آله گوش دهند و از ایشان سؤال کنند.

پس از پیامبر صلی الله علیه و آله مسجد، مقام و موقع خود را به عنوان مرکز دانش‌پژوهی و عبادت حفظ کرد و برخی مساجد، دانشمندان برجسته و مجموعه بزرگی از مسلمانان را به خود جذب کردند.<sup>۱</sup>

روش تدریس اسلامی این‌گونه بود که حلقه‌های درس آزادی به وسیله‌ی نبی اکرم صلی الله علیه و آله دایر می‌شد و این روش هم‌چنان در بیشتر مدارس و حوزه‌های علمی برپا است. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

اهتمام پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله همواره بر این بوده است که مسجد جایگاه مهم دانش‌آموزی امتش باشد. پیامبر صلی الله علیه و آله حتی پیش از هجرت نیز اغلب می‌کوشید که پیروان مکی خود را در حرم تعلیم دهد؛ اما کارشکنی مخالفان مانع آن بود.

مرحله‌ی بعدی، تأسیس دانشکده‌های عمومی یا مساجد آموزشی، احداث دانشگاه‌ها برای پرداختن به مسائل علمی و پژوهشی، و بعد از آن تأسیس بیت‌الحکمه و کتابخانه بود. تاریخ اسلامی این دو مرکز علمی را کنار هم و با هم شناخته است. منشأ کتابخانه‌های مساجد، قرآن است. قرآن مهم‌ترین منبع عقاید،

عبادت، قانون و رفتار مسلمانان است. به این سبب مسلمانان از همان ابتدا قرآن را بسیار با ارزش دانستند و آن را برای حفظ و دسترسی بیشتر، به صورت وقف به مساجد سپردند.<sup>۲</sup>

در حدیثی از حضرت رسول اکرم ﷺ آمده است:

إِنَّمَا نَصَبْتُ الْمَسَاجِدَ لِلْقُرْآنِ؛ مساجد تنها برای قرآن بنا شده‌اند.

مضمون این حدیث، مبین اهمیت آموزش قرآن و پیوند محکم استوار میان مسجد و قرآن است. به نظر می‌رسد وجود «انما» در صدر حدیث به این معنا نیست که مسجد جایگاه چیز دیگری نیست؛ بلکه مصداق «چون که صد آید، نود هم پیش ما است» می‌باشد و این سخن با توجه به جامعیت قرآن این موضوع را خاطر نشان می‌سازد که مسجد جایگاه و پایگاه هرگونه فعالیت است که در جهت قرآن باشد که از نماز و دعا آغاز می‌شود و انواع مسایل سیاسی، اجتماعی و نظامی را در بر می‌گیرد.

به عبارت دیگر، مساجد برای قرآنی بنا شده است که «تبیان کل شیء» است؛ چنان که در زمان حیات معلم بزرگ قرآن و اسوه‌ی حسنه‌ی انسان‌ها جایگاه مسجد چنین بود.

ابن بطوطه جهانگرد معروف که در قرن ششم هجری می‌زیسته و از شهر دمشق نیز دیدن کرده است، حیات علمی و فعالیت‌های معمول در جامع اموی دمشق را چنین وصف کرده است:

مجالس و حلقه‌های درس در فنون مختلف علم در این مسجد دائر است. رجال حدیث بر کرسی‌های افراشته روایت حدیث می‌کنند و قاریان قرآن هر بامداد و شامگاه با صدای دلنشین به تلاوت قرآن مشغول‌اند. گروهی از معلمان قرآن هم که بر ستون‌های استوانه‌ای شکل مسجد تکیه دارند به نوآموزان خواندن کتاب خدا را می‌آموزند. تعلیم قرآن به صورت شفاهی است و به پاس احترام به ساحت مقدس قرآن، از نوشتن آیات خودداری

می‌شود. معلّم خط و وظیفه‌ی دیگری به عهده دارد. او نوشتن اشعار و عبارات مناسب را به دانش‌آموزان تعلیم می‌دهد. این برنامه‌ها به نحوی تنظیم یافته که کودک پس از آموزش شفاهی به تمرین کتبی می‌پردازد و این کار را آن قدر تکرار می‌کند تا خطّش نیکو گردد.<sup>۲</sup>

آنچه از سخن ابن بطوطه به طور مسلّم بر می‌آید، سمعی بودن آموزش قرآن کریم، با وجود فراوانی نوشت‌افزار و حتّی وجود معلّمان متخصص، تمرین‌های جداگانه‌ی معلّمان، جهت نیل به خوشنویسی است؛ امّا تحلیلی که وی عرضه کرده، مطلبی غریب است؛ آن‌جا که می‌گوید:

به پاس احترام به ساحت مقدّس قرآن از نوشتن آیات خودداری می‌شود.

اما، وی در ادامه‌ی سخن خود به مطلبی اشاره می‌کند که هرگونه ابهام را از این گفتار می‌زداید؛ آن‌جا که می‌گوید:

کودک پس از آموزش شفاهی به تمرین کتبی می‌پردازد و آن قدر تکرار می‌کند تا خطّش نیکو گردد.

در واقع، گویی مراد او از این سخن، این است که چون احتمال غلط‌نویسی آیات قرآنی می‌رود، ابتدا از نوشتن آیات و عبارات آن خودداری می‌شود تا کودک آن قدر تمرین و گفت و شنود شفاهی انجام دهد تا به تدریج به کتابت بدون غلط آیات توانا گردد.

چنین چیزی در هر حال، با توجّه به شواهد و قرائن فراوان در میراث گران‌بهای آموزش اسلامی از زمان رسول اکرم ﷺ ریشه دارد و گذشت زمان نیز بر اهمّیت آن افزوده و از برخی زوایای آن رازگشایی کرده است.

جا دارد چنین چیزی امروز نیز مورد توجّه ما و همه‌ی معلّمان قرار گیرد که در امر آموزش هر چیزی از جمله قرآن، چنان عمل شود که نوآموز، خود بتواند درست بنویسد و تا حدّ ممکن به دخالت مستقیم و تصحیح معلّم نیاز نیافتد. این تصحیح‌ها هرچند صادقانه و دلسوزانه نیز باشند، به گفته‌ی روان‌شناسان و

متخصصان تعلیم و تربیت، آثاری مخرب خواهد داشت.<sup>۴</sup>

در دنباله‌ی سخن پیشین آمده است:

تدریس به شیوه‌ی قدیم و سنتی تا زمان نزدیک به روزگار ما در جامع اموی دمشق استمرار داشته است. از آخرین کسانی که در دوره‌ی اخیر در این جامع به تدریس اشتغال داشته است، محدث مرحوم شیخ بدرالدین حسنی بود که چند سال پیش به جوار رحمت آفریدگار خود پیوست.<sup>۵</sup>

عمده‌ی کشورهای اسلامی تاکنون میراث ارزشمند و عظیم فرهنگی خویش را در زمینه‌ی شیوه‌ی سنتی آموزش قرآن حفظ کرده‌اند که از آن جمله می‌توان به کشور سودان اشاره کرد.

## ۲. خلوات قرآن کریم در کشور سودان

در کشور سودان، کودکان از کودکی به «خلوات» یعنی همان مکتب‌خانه‌های تعلیم قرآن سپرده می‌شوند و کلام خدا به آنان آموزش داده می‌شود. رقم حافظان قرآن در این کشور بسیار زیاد است. آیات قرآن در انظار و بر روی دیوارها نوشته می‌شود تا همواره در نظر مردم و مذکر ایشان باشد.

این کشور با وجود فقر اقتصادی و مشکلات مالی و داشتن حالت یک «روستای بزرگ»، در صف اول برخورداری فرهنگی و اسلامی در میان کشورهای عربی و آفریقایی قرار دارد.

«خلوة القرآن الکریم» تنها مرکز آموزش نوشتن و خواندن و حفظ قرآن کریم در کشور سودان به شمار می‌آید. این مرکز آموزشی تا نیمه‌ی قرن سیزدهم هجری قمری، مصادف با قرن نوزدهم میلادی، علاوه بر آموزش قرآن کریم همان نقش مدارس ابتدایی امروز را بر عهده داشتند و به این ترتیب مکتب‌خانه‌ها در این خطه و سامان از «عقیده‌ی اسلامی» پاسداری کرده و علم «فقه»، «صرف و نحو عربی» را به نوباوگان تعلیم داده و در طول تاریخ پرفراز و نشیب خود، هزاران حافظ قرآن، فقیه، قاضی، جنگاور و فرمانده را به جامعه

تحویل داده‌اند.

در واقع، مکتب‌خانه‌ها نقش عظیم خود را در حفظ و حراست از قرآن کریم و ترویج و اشاعه‌ی معارف آن در میان کودکان و بزرگسالان هم‌چنان تا به امروز ادا کرده‌اند و در برابر گردش روزگار و تحوّل و دگرگونی شرایط، استوار ایستاده و رسالت عظیم و والای خود را به انجام رسانیده‌اند و نیز مؤسسان و دست‌اندرکاران آن‌ها در کمال «اخلاص» و «گمنامی» کلیّه‌ی امکانات خود را، کم یا زیاد، در راه حراست و نگهداری از این مراکز آموزشی که پل ارتباطی میان وضعیّت کنونی این امت با تاریخ گذشته‌ی آن به شمار می‌رود صرف کرده و به واسطه‌ی همین اخلاص و فداکاری و صلابت توانسته‌اند، تأثیر فراوانی در مناطق مختلف کشور بر جای گذارند.<sup>۶</sup>

جالب توجه است که کشور سودان در بین کشورهای اسلامی و آفریقایی، به نسبت، دارای پایین‌ترین آمار جرائم و فساد است.

دیگر نکته‌ی قابل توجه، اخلاص و فداکاری مؤسسان و دست‌اندرکاران مکتب‌خانه‌ها و قناعت و سلامت نفس معلّمان خلوات مزبور است. مکتب‌خانه را افرادی خیر و نیکوکار با هزینه‌ی شخصی و گاهی با کمک مردم آبادی تأسیس می‌کنند. سپس از یک فرد دانشمند دعوت می‌شود تا مسئولیّت تعلیم و تربیت و در واقع اداره‌ی آن را عهده‌دار شود.

معلّم قرآن، «فکی» (= فقیه) و نوآموزی که تحت تعلیم قرآن قرار می‌گیرد، «حوار» نامیده می‌شود. لوح، سطحی جهت نگارش حروف و کلمات قرآنی است و از چوب درختان سفت و سخت، که در برابر شستشو و آب مقاوم است، ساخته می‌شود و قبل از این‌که مورد استفاده قرار گیرد، با قیر سفید اندوده می‌گردد. «عمار» مرکبی است که برای نوشتن روی لوح مورد استفاده قرار می‌گیرد و دانش‌آموزان، خود آن را تهیه می‌کنند.

طرز تهیه‌ی آن به این صورت است که دانش‌آموزان، جرم سیاه‌رنگی را از زیر

«ساج» یا تابه‌ای که در پخت و پز نان مورد استفاده واقع می‌شود می‌تراشند؛ سپس آن را با شیرهای درختی که آن را صمغ می‌نامند، مخلوط می‌کنند و به قدری آن را به هم می‌زنند تا خشک شود، آنگاه گلوله‌های کوچکی از آن درست می‌کنند و در ظرفی به نام دوات می‌ریزند.

دوات ظرفی است که از گل پخته یا از چوب درخت «قرع» که در سختی زبانزد است و از آن کاسه‌های آب‌خوری می‌تراشند، ساخته می‌شود. انواع دوات، در مناطق مختلف، متفاوت است. دانش‌آموزان قلم خود را از نی ذرت که انواع مختلفی دارد، تهیه می‌کنند.

#### ۴. ۱. برنامه‌ی روزانه‌ی شاگردان مکتب قرآن

مکتب‌خانه بنایی است که برای آموزش قرآن کریم ساخته شده است و برخی از دانش‌آموزان که از راه دور آمده‌اند، در آن سکنی می‌گزینند.

این دانش‌آموزان هر روز قبل از اذان صبح از بستر خواب بر می‌خیزند و محفوظات قرآنی خود را تکرار می‌کنند و با دمیدن فجر و داخل شدن وقت نماز، نماز صبح را به جماعت به‌جای می‌آورند. سپس با روشن کردن آتش از چوب‌هایی که دانش‌آموزان برای مرکز فراهم ساخته‌اند و با استفاده از نور و روشنایی آن، به خواندن درس‌هایشان می‌پردازند.

تاکنون شمار اندکی از این مکتب‌خانه‌ها از نعمت برق و روشنایی برخوردار شده‌اند؛ با این حال حتی در همین مراکز نیز با برافروختن آتش و قرائت در پرتو نور آن را درست در همان نقطه که سال‌ها پیش، این شعله در آنجا افروخته می‌شد، مورد توجه و تأکید قرار می‌دهند و هنوز از همان چوب‌های مخصوص استفاده می‌کنند.

#### ۴. ۲. کیفیت ختم قرآن کریم

طریقه‌ی ختم قرآن کریم در طول یک هفته به قرار زیر است:

الف - از اول سوره‌ی فاتحة الكتاب تا آخر آیه‌ی ۸۶ سوره‌ی نساء؛

ب- از آیه‌ی شریفه‌ی ۸۷ سوره‌ی نساء تا آیه‌ی شریفه‌ی ۱۷۰ سوره‌ی اعراف؛  
 ج- از آیه‌ی شریفه‌ی ۱۷۱ سوره‌ی اعراف تا آیه‌ی شریفه‌ی ۲۷ سوره‌ی  
 ابراهیم؛

د- از آیه‌ی شریفه‌ی ۲۸ سوره‌ی ابراهیم تا آیه‌ی شریفه‌ی ۷۴ سوره‌ی مؤمنون؛

ه- از آیه‌ی شریفه‌ی ۷۵ سوره‌ی مؤمنون تا آیه‌ی شریفه‌ی ۲۳ سوره‌ی سبأ؛

و- از آیه‌ی شریفه‌ی ۲۴ سوره‌ی سبأ تا آخر سوره‌ی حجرات؛

ز- از اول سوره‌ی ق تا آخر سوره‌ی ناس.<sup>۷</sup>

نکته‌ی مهم، این که شیوه‌ی تقسیم یادشده، طریقه‌ای بسیار پرسابقه و دیرینه و با اختلافی اندک مبتنی بر سنت معلّم بزرگ قرآن، حضرت محمد بن عبدالله ﷺ است و ما در ادامه‌ی سخن مطالبی را در همین باره خواهیم آورد.

### ۳. حفظ قرآن کریم در تونس

تونس، یکی دیگر از کشورهای آفریقایی است. دکتر محمد تیجانی سماوی، عالمی جلیل‌القدر از این کشور است که در سال‌های اخیر از مذهب تسنّن به مذهب تشیع روی آورده و کتب متعدّدی را پیرامون مسایل اعتقادی و کلامی بین شیعه و سنی تألیف و ضمن آن‌ها علل گرایش خود را به شیعه نیز بیان کرده است. وی در آغاز یکی از کتاب‌های خود با عنوان «ثم اهدیت» خاطره‌ای بسیار خوش را از نخستین باری نقل می‌کند که وی به رغم خردسالی، به برکت حفظ نیمی از قرآن به امام جماعت برگزیده می‌شود.

گفتنی است در برخی بلاد اهل سنت کسانی که موفق به حفظ قرآن کریم یا بخش قابل توجهی از آن می‌شوند، به امامت جماعت برگزیده می‌شوند و شیوخ و استادان نیز پشت سر وی می‌ایستند و به قرائت وی گوش می‌دهند. وی در نماز خود پس از قرائت سوره‌ی فاتحة الكتاب، در هر رکعت، بخشی از سوره‌های نخستین قرآن را از اول قرآن به آخر آن می‌خواند.

هریک از این قسمت‌ها یک «رکوع» نامیده می‌شوند که از دیرباز در مصحف شریف معمولاً با علامت «ع» مشخص می‌شده است. چنانچه شخص مزبور در



قرائت خود دچار اشکال و اشتباه شود، شیوخ و استادانی که پشت سر وی ایستاده‌اند، به وی یاری می‌رسانند.

خاطره‌ای که شیخ محمد تیجانی نقل می‌کند، به قرار زیر است:

همواره به یاد دارم چگونه پدرم مرا به مسجد محله، که در آن در شب‌های ماه رمضان نماز برگزار می‌شد، برد و مرا بر نمازگزارانی که شگفتی خود را مخفی نمی‌کردند، مقدم داشت. از چند روز قبل می‌دانستم که معلم قرآن کارها را طوری مرتب ساخته که دو یا سه شب از شب‌های ماه رمضان نماز جماعت را برگزار کنم. عادت بر این بود که من نیز به همراه دیگر کودکان محله، پشت سر جماعت نماز بخوانم و در انتظار رسیدن امام، به نصف قرآن کریم، یعنی سوره‌ی مریم بمانم. از آن جا که پدرم بر آموزش قرآن به من در مکتب‌خانه و منزل از طریق پاره‌هایی از قرآن که هر شب امام مسجد جامع که فردی نابینا و حافظ قرآن بود می‌خواند حریص بود و از آن جا که من در آن زمان اندک، نیمی از قرآن را حفظ بودم، معلم خواست فضل و اجتهادش را از طریق من نشان دهد. از این رو مواضع رکوع را به من آموخت و چندین بار مرا امتحان کرد و پس از حصول اطمینان آنان، من نماز جماعت را به بهترین وجهی که پدر و معلم انتظار داشتند برگزار کردم؛ چندان که اعجاب همگان را برانگیخت. افراد حاضر در مسجد معلم را بوسیدند و وی را به جهت تعلیم قرآن ستودند و به پدرم تبریک گفتند و همگان سپاس خدا را به جای می‌آوردند.

همو درباره‌ی تأثیر حفظ قرآن خود می‌گوید:

روزها گذشت و آن خاطره هرگز از ذهن من محو نگردید. آن شب‌های رمضان در زندگی من اثری دینی بر جای گذاشت که آثار آن تا امروز باقی مانده است. به این صورت که هرگاه، راه‌ها بر من مشتبه می‌گردد، نیرویی قوی را احساس می‌کنم که مرا می‌گیرد و به راه اصلی باز می‌گرداند، و هرگاه ضعف شخصیت و پوچی در زندگی احساس می‌کنم، آن خاطرات

مرا به بالاترین درجات روحی می‌رساند و در ضمیر من شعله‌ی ایمان را جهت تحمّل مسئولیت بر می‌افزوزد.<sup>۸</sup>

#### ۴. حفظ قرآن در کشور عربستان

در کشور عربستان سعودی نیز شمار قابل توجهی به امر فراگیری و حفظ قرآن کریم مشغول‌اند. برخی از این افراد، شب‌ها در طبقات مُشرف بر مسجدالحرام گرد هم می‌آیند و به تمرین و تکرار می‌پردازند. آغاز حفظ قرآن کریم از آخر قرآن به اوّل است و در فراگیری و تکرار، در زمینه‌ی تجرید و مانند آن اجباری وجود ندارد و اصل، همان قرائت ساده و بی‌پیرایه است. به غیر از تجرید، از مسائل مربوط به صوت و لحن و نغمات، که پدیده‌ای بسیار جدید است، نیز خبری نیست. البته آن‌ها در میان قرّاء و حفاظ بسیاری از کشورهای اسلامی به چشم می‌خورد؛ اما به نظر نگارنده آن‌ها مانع بزرگی در امر آموزش صحیح و همگانی قرآن کریم به شمار می‌رود.

در کشور عربستان، علاوه بر آنچه آمد، حقایق دیگری نیز وجود دارد که آموزش قرآن را جذاب‌تر و دل‌پذیرتر می‌سازد و آن، عدم سخت‌گیری بر کسانی است که در قرائت یا عرضه‌ی محفوظات، ضعف و مشکلی دارند. در واقع هرچه شخصی جوان‌تر و کم‌سن‌تر باشد، سخت‌گیری در مورد وی کمتر است و حتی استاد، هنگام خطا و اشتباه او، آن را در حضور دیگران به وی گوشزد نمی‌کند؛ بلکه او و دیگر حاضران در موقع لزوم، با صحیح خواندن آیات، به گونه‌ای لطیف و غیر مستقیم به تصحیح خطاها می‌پردازند.

در جاهایی نظیر کشور ما که این اصل چندان رعایت نمی‌شود، موجبات دل‌سردی بسیاری از افراد و زدگی آن‌ها از جلسات قرائت قرآن پدید آمده است. برخی از طلبی که از کشورهای اسلامی برای تحصیل علوم دینی به جمهوری اسلامی ایران آمده‌اند، اظهار می‌دارند، ما در زمان اعزام، دو گروه شدیم: گروهی به عربستان و گروه ما به ایران اعزام شد. گروه اعزامی به عربستان پس از زمان کوتاهی به کشور بازگشته‌اند؛ در حالی که حافظ تمام قرآن شده‌اند؛

لکن ما هم اکنون پس از گذشت چندین سال کوشش در کشور جمهوری اسلامی ایران در این زمینه‌ی خاص به علت قرار نداشتن قرآن در متن برنامه‌ها و فعالیت‌ها بی‌توفیق مانده‌ایم.

در عربستان نیز نظیر تونس و برخی کشورهای دیگر، امامت نماز جماعت توسط جوانانی که موفق به حفظ قرآن می‌شوند، مرسوم است. البته یکی از اوصاف ناپسند حفاظ سعودی این است که تمامی هم و غم آنان مصروف قرائت آیات است. آنان در قرائت و حفظ قرآن خود، به سرعت از یک آیه به آیه‌ی دیگر و از سوره‌ای به سوره‌ی دیگر می‌روند و تدبیر صحیح و عمیق و توجه به وقف و ابتدا که از ارکان قرائت است، در قرائت قرآن آنان چندان جایگاهی ندارد.

### ۵. فراگیری و حفظ قرآن در اروپا

حکومت عثمانی در طول سال‌های دوام خود پایگاهی برای گسترش خطه‌ی اسلام در اروپا بود. عظمت فرهنگ اسلامی و قدرت نفوذ آن به حدی بود که با وجود برخی اشکالات در زمان حکومت عثمانی - امری که به انهدام کلی آن حکومت انجامید - و با وجود تسلط چندده‌ساله‌ی نظام‌های مذهب‌ستیز پس از انهدام حکومت عثمانی، هنوز می‌توان تأثیرات بسیار لطیفی را از فرهنگ آفرینی قرآن کریم در مقرّ سابق این حکومت و کشورهای تأثیرپذیر از آنان در گذشته ملاحظه نمود.

شهر تفورور یکی از شهرهای جمهوری مقدونیه (Macedonia) است که پیش از این جزء یوگسلاوی سابق و قبل از آن بهره‌مند از تأثیر فرهنگی حکومت عثمانی بود. در این شهر، بیش از صد هزار جمعیت سکنی دارند که از این شمار، حدود هشتاد هزار نفر حافظ کل قرآن‌اند. در این شهر اعضای بسیاری از خانواده‌های با جمعیت زیاد ده تا پانزده نفر همگی حافظ تمام قرآن‌اند.<sup>۹</sup>

دکتر سیدمحمد باقر حجّتی درباره‌ی سفر خود به ترکیه می‌نویسد:

در سفری که در سال ۱۳۷۱ به کشور ترکیه انجام شد، از یک مرکز

که هر سال حداقل صد حافظ قرآن کریم در آن تربیت می‌شد. آن گونه که مسئولان آن اظهار می‌کردند، این مرکز در سراسر ترکیه سه هزار حافظ قرآن تربیت کرده است. دارالتحفیظی که از آن دیدار کردیم، حدود سی و دو سال پیش، شروع به کار کرده و تابع ریاست «شئون دینی ترکیه» است؛ ولی از دولت کمکی دریافت نمی‌کند و داوطلبان حفظ قرآن به صورت شبانه‌روزی در آن به سر می‌برند. مرکز مزبور یکی از مراکز پانصدگانه‌ی ترکیه است که در این زمینه فعال می‌باشد.<sup>۱۰</sup>

نکته‌ای که نباید ناگفته گذاشت، این است که هرچه از شیوه‌های سنتی حفظ قرآن در کشورهای آفریقایی و مانند آن که اصالت و قرابت نسبی خود را با شیوه‌های آموزش پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله حفظ کرده، فراتر می‌رویم، حالتی از التقاط و اعمال سلیقه‌های غیر اصولی را بیشتر در می‌یابیم.

### ع. مکتب‌خانه‌های ایران در دهه‌های اخیر

در کشور ایران، نیز مکتب‌خانه‌ها، دارای فعالیت‌ی وسیع و نقشی عظیم در پی‌افکندن بنای فرهنگ این آب و خاک و تربیت مردان و زنان آن داشته‌اند. هنوز در گوشه و کنار شهرهای ایران، مردان و زنانی که در این مکتب‌خانه‌ها درس خوانده و به اصطلاح «سواد قرآنی» یاد گرفته‌اند، فراوان‌اند.

نگارنده در حدّ توان در این زمینه تحقیق میدانی داشته و سیر علمی و آموزشی این مراکز ارزشمند را مورد بررسی و مطالعه قرار داده است. شنیدن سوره‌ها، آیات و حتی یک آیه‌ی قرآن و نیز اشعار حافظ و ابیات و امثال سعدی، از دهان مردان و زنانی سالخورده که به اصطلاح و عرف امروز جامعه‌ی ما «بی‌سواد» محسوب می‌شوند، دارای جاذبه و معنایی خاص است.

راستی، مکتب‌خانه‌های قدیم با وجود نقایصی که داشته‌اند، چه خوب از انجام وظیفه‌ی سترگ تعلیم زبان قرآن و ترویج فرهنگ قرآنی و جای دادن آن در سینه‌های عارف و عامی بر آمده‌اند، و قرآن کریم و حافظ شیراز و سعدی و مولانا چه خوب راه خود را با ابتدایی‌ترین وسایل و امکانات، تا اعماق منازل،

بلکه تا اعماق قلب و اندیشه‌ی همگان می‌یافته‌اند.

در اینجا مناسب است، به شرحی درباره‌ی نحوه‌ی فعالیت نمونه‌ای از این مکتب‌خانه‌ها پردازیم.

مکتب‌خانه عبارت از اتاقی بود که سراسر آن با تشکچه‌هایی که شاگردان برای خود آورده بودند، فرش بوده است. «ملا» در بالای اتاق می‌نشسته و به آن‌ها درس می‌داده است. یکی از شاگردان که از همه قوی‌تر بود، به عنوان «خلیفه» انتخاب می‌شد و وظیفه‌ی آرام کردن بچه‌ها و رسیدگی به کارهای دیگر را برعهده داشته است.

نحوه‌ی ثبت مطالب درسی به این صورت بود که هریک از شاگردان یک ورق حلبی به ابعاد ۴۰×۳۰ داشت که به آن رنگ سیاه زده بود. وقتی ملا درس می‌داد، شاگردان با گچ روی لوح حلبی می‌نوشتند. بعد آن را با پارچه مرطوب پاک می‌کردند. ملا اول، عمّ جزء، بعد، پس جزء و بعد، همه‌ی قرآن را درس می‌داد. پس از تعلیم قرآن، دانش آموزان الفبا را یاد می‌گرفتند و گلستان و بوستان سعدی، کلیله و دمنه و احکام شرعی را می‌خواندند. یکی از درس‌های خیلی مهم، ریاضی و حساب بود که شاگردان باید آن را به دقت یاد می‌گرفتند. هر شاگرد ماهیانه مبلغی به ملا پرداخت می‌کرد. در مکتب‌خانه‌های قدیمی‌تر، فصل زمستان که می‌شد، هر شاگرد باید مقداری چوب یا هیزم برای گرم کردن به مکتب‌خانه می‌آورد.

همان درس‌هایی را که ملا به پسرها می‌آموخت، در مکتب‌خانه‌ی دخترانه، خانمی به نام «ملا باجی» به دخترها یاد می‌داد.

حسین ایزدی، که سنّ او نزدیک به ۱۰۰ سال است و یکی از شاگردان قدیمی مکتب‌خانه‌های ایرانی است، می‌گوید:

در سنّ شش‌سالگی در شهر همدان، در مسجد پیغمبر که مدفن حضرت حجی پیامبر صلی الله علیه و آله است، به مکتب می‌رفتم. اسم استادمان «جناب مرشد» بود که زیر نظر ایشان، علوم مختلف را یاد می‌گرفتیم.

در آن زمان این درس‌ها آموزش داده می‌شد:

- اوّل «قرآن» را یاد می‌گرفتیم. البته قبل از آن حروف الفبا را از طریق «هجی» (بخش کردن) می‌آموختیم. به همراه قرائت قرآن، جناب مرشد احکام شرعیّه را هم به ما یاد می‌داد. بعد از آن کتابی بود به نام «کتاب خودی» و کتاب دیگری به نام «مرثیه‌ی سیدالشهداء» و کتاب‌های دیگر آن زمان مثل: کلیله و دمنه و گلستان و بوستان سعدی.

- پس از یادگیری تمام درس‌های مکتب‌خانه، به مدرسه‌ای به نام «نصرت» در محله‌ی حاجی و به مدیریت آقای میرشمس رفتیم. من در آن زمان دوازده سال داشته و تحصیل ما هم‌زمان با جنگ اوّل جهانی بود. هر روز صبح، چهار ساعت و بعدازظهر دو یا سه ساعت به مدرسه می‌رفتیم. - وقتی در مکتب‌خانه بودیم، به صورت دایره‌وار دور هم می‌نشستیم و جناب «مرشد» بالای اتاق می‌نشست. ایشان کتاب یا قرآن را می‌خواند و ما هم بعد از او درس را تکرار می‌کردیم.

- هریک از شاگردان، تشکچه‌ای همراه داشت که روی آن می‌نشست. در بالای اتاق یا همان راهروی مسجد پیغمبر ﷺ جناب مرشد می‌نشست. در فصل بهار و تابستان از نظر مکان مشکلی وجود نداشت؛ ولی در اواخر پاییز و زمستان به سختی بیمار می‌شدیم. در زمستان‌های سرد همدان، هر روز صبح به دکان نانوايي می‌رفتیم و منقل خود را پر از آتش می‌کردیم و به مکتب‌خانه می‌آوردیم. هرکس موظّف بود، این کار را بکند. ذغال‌ها را از ریشه‌ی درختان تهیّه می‌کردیم.

- یکی از شاگردان که از بقیّه قوی‌تر بود، به عنوان «خلیفه» از طرف جناب مرشد انتخاب می‌شد. وظیفه‌ی خلیفه ساکت کردن بچه‌ها و نیز مرتّب کردن اتاق بود. اگر یکی درس نمی‌خواند یا بی‌ادبی می‌کرد، جناب مرشد به خلیفه دستور می‌داد تا او را «فلک» کند. فلک هم به این صورت بود که پاها را بین دو تا چوب می‌بستند و وارونه نگه می‌داشتند؛ بعد جناب مرشد،

آن قدر با چوب آلبالو به کف پا و دستان شاگرد می‌زد که از حال می‌رفت. - ما شاهد بودیم که چطور بچه‌ها بر اثر این تنبیه‌ها از آمدن به مکتب‌خانه منصرف می‌شدند و در جهل و بی‌سوادی می‌ماندند.<sup>۱۱</sup>

به کارگیری خشونت در امر آموزش، به‌خصوص آموزش قرآن - چنان‌که در مقاله‌ی آموزش قرآن در مکتب رسول اکرم ﷺ اشاره شد،<sup>۱۲</sup> خلاف سیره‌ی خاتم رسولان و معلّم بزرگ قرآن است.

عین صاد در زمینه‌ی سخت‌گیری در آموزش قرآن نقل می‌کند:

با قرآن در مکتب و سپس در مدرسه روبرو شدم، استادی داشتیم سخت‌گیر... که سخت‌گیری‌ها و فشارهایش ما را از قرآن و تعلیمات دینی بیزار می‌کرد. این فشار برای نفرت کافی بود؛ هرچند که در جوّی مذهبی و قرآنی بزرگ شده بودیم. من خودم از این فشارها، آموختم که دیگر تخم نفرت را این‌گونه در دل‌ها نریزم. با یکی از استادها که جوانی پرشور و مذهبی بود، برخوردی داشت. او سخت‌خسته و درگیر بود. با رئیس فرهنگ وقت و دیگران کارش به اختلاف و سپس به ساواک کشیده شده بود؛ چون حاضر نشده بود، انقلاب سفید را درس بدهد و امتحان بگیرد. به او گفتم: انقلاب سفید را درس بده و سخت‌گیری بکن و اگر می‌توانی مردودشان هم بکن... چون این سخت‌گیری بذر نفرت و بیزاری است... گفتم: استادهای تعلیمات قرآن، این تجربه را به ما نشان دادند... و با چوب‌هایی که به ما زدند، ما را فرسنگ‌ها از قرآن جدا کردند.<sup>۱۳</sup>

## ۷. تعلیم و ترویج قرآن در عصر حاضر

عمده‌ی مطالبی که گذشت، حول موضوع حفظ و تا حدّی قرائت قرآن در گذشته‌هایی دور، از چند قرن تا چند دهه‌ی قبل، دور می‌زند. جامعه‌ی قرآنی ما در زمان حاضر با مسائلی گوناگون دست به‌گریبان است که نیازمند بررسی دقیق و نقد دلسوزانه‌ی کارشناسان است.

قرآن و شیوه های ترویج و فعالیت های معاصر را تا حد بسیاری فرو گذاشته اند و کتب علوم قرآنی ما در طول قرن ها ناظر به موضوعات و مسائلی مشخصی بوده و به نیازهای نسل ها و انتظارات ایشان از قرآن کمتر التفات شده و بهتر بگوییم، هیچ التفات نشده است.

به عنوان مثال در کتب و آثار معاصر نه این پرمش مورد توجه قرار گرفته است که قرآن برای اولین بار باید چگونه به نوباوگان عرضه شود و آن تصویر تعیین کننده ای که از قرآن کریم تا آخر عمر می ماند، چگونه تصویری است و نه این مطلب موضوعیت یافته است که آن حیات بخشی و حرکت آفرینی که در کتب تاریخ صدر اسلام از آن سخن می رود، به کجا رفته است؟

#### ۱.۷. مسابقات

نماد و نمایش عمده ی فراگیری و حفظ قرآن کریم در عصر حاضر، جلسات و مسابقات است. شوق و کششی که از کلام الله در دل ها است، همواره شمار بسیاری از مشتاقان را به سوی خود می کشد و در گوشه و کنار، در هر مسجد و کانون و نهاد، به نحوی حلقه و جلسه ای قرآنی به نحو مقطعی و یا مستمر تشکیل می شود و در آن، گروهی گرد هم می آیند و مشغول درس و بحث و قرائت و حفظ و گاه تفسیر کتاب خدا می شوند.

در عصر حاضر و در کشور ما، این نکته تقریباً به مثابه ی یک «اصل موضوع» پذیرفته شده است که جلسه بدون مسابقه امکان ندارد و برگزاری یک مسابقه هرازگاه و تعیین نفرهای اول تا سوم و اهدای جوایز از ملزومات و واجبات هر حلقه ی فعالیت قرآنی محسوب می شود. هر سازمان و نهادی در کشور به نحوی برخوردار از بودجه و امکاناتی جهت مبارزه با شیخون فرهنگی و فعالیت اسلامی و فرهنگی است، در صدر موارد هزینه، برگزاری مسابقه ی قرآن کریم در اولویت قرار می گیرد؛ زیرا برگزاری مسابقه، در واقع و به طور عام شاخص و نماد فعالیت قرآنی در یک جا محسوب می شود. به طوری که اگر قرار باشد، هر مقطعی از فعالیت های قرآنی به یک مسابقه ختم نشود، گویی هرگز کاری صورت



نگرفته است!

آنچه در این میان برحسب توان و دسترسی گروه و مرکز برگزارکننده‌ی مسابقه متفاوت است، ترکیب هیأت داوران و تشکیل آن از مشاهیر و غیر مشاهیر، محلّ برگزاری مسابقه از حیث اهمّیت انعکاس خیر مسابقه و تبلیغات آن، میزان و مقدار جوایز، حضور قراء و حفاظ محترم «بین المللی»، چهره‌ها و شخصیت‌های مشهور و مانند آن است.

#### ۲.۷. جلسات

دیگر فعالیت‌های قرآنی، نظیر «شبی با قرآن» نیز کم و بیش همین فلسفه و حکم را دارد. نکته‌ای را که هرگز نمی‌توان از یاد برد، این است که در مسابقه‌های ادواری مزبور، غالباً، شمار کم و بیش مشخص و معینی از قاریان و حافظان شرکت می‌کنند. گروهی که روزها و هفته‌ها قبل از مسابقه به تمرین پرداخته‌اند و در ایام مسابقه در محلّ تعیین شده حضور به هم می‌رسانند و هیأت داوران براساس آیین‌نامه‌هایی که هر سال، مواد و تبصره‌های آن افزون‌تر می‌شود، رودروی قاری و حافظ و یا در جایی دیگر به ارزیابی قرائت آن‌ها از لحاظ صحّت قرائت (زیر و زبر حروف)، تجوید (صفات حروف، نحوه‌ی رعایت و میزان کشیدن هریک از مدّها و غنّه‌ها، دقّت در یکسان بودن موارد مشابه و نیز ادای موارد اظهار، ادغام، اخفاء و اقلاب)، بررسی صوت (قوت صدا، پرده‌های صوتی) لحن و تعداد و تناسب مقام‌های موسیقایی، تحریرها و نوع و تعداد آن‌ها و نیز کیفیت حفظ و شاخص‌های تعیین کننده‌ی آن می‌پردازند و نفرهای اوّل تا سوم را تعیین می‌کنند و...

پس از تعیین سه یا چند نفر اوّل و تقسیم جوایز، دیگر شرکت‌کنندگان همراه تماشاچیان باز می‌گردند. گروهی از آنان جلسه و مسابقه را به کلی رها می‌کنند و گروهی نیز مصمّم یا مردّد، در انتظار زمان مسابقه‌ای دیگر و با هدف شرکت در آن و احیاناً احراز مقام اوّل، مشغول قرائت و حفظ می‌شوند.

گزارش‌هایی که در گوشه و کنار راجع به دوره‌های مختلف مسابقه‌های

گوناگون منتشر می‌شود، کم و بیش فهرستی از افرادی مشترک را نشان می‌دهد که در طول دوره‌های مختلف، رتبه آورده‌اند و اغلب این رتبه‌ها میان همان افراد جابه‌جا می‌شود. نگارنده سال‌ها در متن و بطن انواع این مسابقه‌ها در شهرها، مراکز و سازمان‌های مختلف حاضر بوده است. به تصدیق افراد مطلع، ممکن است این مسابقه‌ها در برجسته کردن گروه محدود و معدودی قاری و حافظ کل و نصف قرآن ... اثری داشته باشد، اما فراگیری واقعی قرآن، جز با تدبّر در آن و انس واقعی و حقیقی با کلام‌الله (نظیر انس شبانه و به دور از پرژکتورها)، امکان ندارد. طبعاً شمار کسانی که می‌توانند بین تکنیک‌های متعدّد قرائت و عملیات خیره‌کننده‌ی صوت و لحن و تجوید، فراگیری و به کارگیری دستگاه‌ها و نغمه‌های رنگارنگ موسیقی، برخورداری از صدای بلند و قابل قبول از دیدگاه داوران، روحیه‌ی ابراز صدا و اجرای تحریر، جسارت حضور و عرض اندام در برابر پیش‌کسوتان و مجریان و دوربین‌های فیلم‌برداری و عکس‌برداری و انبوه تماشاگران و یا حفظ دقیق ۱۱۴ سوره‌ی قرآن به اضافه‌ی موارد مذکور جمع کنند، در مقایسه با کسانی که می‌توانند در یک کلمه «قرآن بخوانند»، بسیار اندک و محدوداند و یکی از عملکردها و آثار اصلی این گونه مسابقات و «ارزیابی‌های اختراعی» از میدان به در کردن همان اکثریت مشتاق است.

تکنیک‌های صوت و لحن و موسیقی و تجوید به معنای مصطلح و حرفه‌ای آن، بیش از هر جای دیگر از کشور مصر به میهن عزیز اسلامی، راه یافته است. در حالی که هنوز در اکثر کشورهای اسلامی، قرائت و حفظ قرآن، از چنین پیرایه‌ها و بلکه آرایش‌هایی پاک و مبرا است و خلوص دیرینه‌ی خود را تا حدود بسیاری حفظ کرده است.

البته حضور به هم رساندن قراء و حفاظ و اهل قرآن، در کشور ما امری مذموم نیست؛ بلکه بسیار نیز ضروری و لازم است و آنچه در این‌جا مورد نقد قرار گرفته، اصرار بیش از حد در تعیین یک یا چند نخبه و از میدان به در کردن یک‌باره و یا تدریجی اکثریتی مشتاق و مخلص است.

۸. شبیخون بی‌رحمانه استعمارگران بر ستاد تعلیم و ترویج قرآن کریم اهمیت تعلیم قرآن کریم و جایگاه بنیادین آن در اندیشه، فرهنگ و حیات جامعه اسلامی خیلی زود توجه استعمارگران را به سوی خود جلب کرد. استعمار و از آن جمله استعمار انگلیس، نیک دریافت که در صورت نزدیک شدن به تعلیم و ترویج قرآن و قرار گرفتن در جریان عملی آن و در صورت امکان با دخالت و دست‌کاری برنامه‌ریزی شده، نتایجی مطلوب در انتظارش خواهد بود؛ از این رو به تربیت و اعزام جاسوسانی کارکشته جهت بررسی این موضوع و اجرای نقشه‌های بعدی اقدام کرد.

مستر همفری یکی از این افراد است که در سال ۱۷۱۰ میلادی از سوی وزارت مستعمرات انگلستان به جاسوسی در کشورهای مصر، عراق، ایران، حجاز و استانبول مرکز خلافت عثمانی و در واقع حکومت اسلامی مأمور می‌شود. مأموریت وی و نه نفر دیگر از بهترین و ورزیده‌ترین مأموران وزارت مستعمرات انگلستان، جمع‌آوری اطلاعات کافی به منظور جستجوی راه‌های درهم شکستن مسلمانان و نفوذ استعماری در بلاد اسلامی و فراهم آوردن موجبات تسلط استعماری انگلیس و تحکیم مواضع آن دولت در نقاط استعمار شده بوده است. وی سال‌ها در استانبول و سپس بصره، نزد شیوخ مسلمان در کسوت مسلمانی به فراگیری زبان‌های ترکی، عربی و سپس فارسی و نیز به فراگیری قرآن، تفسیر و تجوید پرداخته است.

او کتابی را در زمینه‌ی خاطرات و مأموریت‌های خود، به رشته‌ی تحریر درآورده که حاوی نکات تکان‌دهنده و عبرت‌آموز است.<sup>۱۴</sup> وی که در بصره در کنار فتنه‌انگیزی‌های دیگر و به منظور سرپوش گذاشتن بر آن‌ها، روی به شغل نجاری می‌آورد، می‌گوید:

در ایّامی که در نجاری کار می‌کردم، با جوانی آشنا شدم که به آن‌جا رفت و آمد داشت و به سه زبان ترکی، فارسی و عربی آشنا بود. او لباس عالمان دین به تن داشت و نامش محمد بن عبدالوهاب بود. جوانی بود جاه‌طلب،

بلندپرواز و بی‌نهایت عصبی مزاج. او شخصاً مطالعاتی در قرآن و حدیث داشت و برای اثبات نظریات خود به اقوال و آرای مشایخ و علمای اسلام اشاره می‌کرد و استناد می‌جست.

پس از مدتی آشنایی و مراوده با محمدبن عبدالوهاب، به این نتیجه رسیدم که فرد شایسته برای اجرای مقاصد بریتانیا در منطقه، شخص او تواند بود. روح بلندپروازی، غرور، جاه‌طلبی و دشمنی با علما و مراجع اسلام، خودکامگی تا آن مرحله که خلفای راشدین را هم مورد انتقاد قرار می‌داد. برداشت او از قرآن و حدیث که تفاوت آشکار با واقعیت داشت، بزرگ‌ترین نقطه‌ی ضعف او بود که می‌توانست مورد استفاده قرار گیرد. با او قرار گذاشتم که در تفسیر قرآن بر پایه‌ی اندیشه‌های جدید، نه بر مبنای آرای صحابه و پیشوایان دین و علما و مفسران، گفتگویی داشته باشیم. ما قرآن را می‌خواندیم و در اطراف آیه بحث می‌کردیم. نقشه‌ی من این بود: به هر ترتیبی که شده، او را در دام وزارت مستعمرات انگلیس بیندازم.

یکی از جالب‌ترین قسمت‌های این داستان، «مباحثه‌ی قرآنی» مستر همفر انگلیسی با محمدبن عبدالوهاب است که آثار آن، بعدها آشکار می‌شود و تفصیل آن در کتاب خاطرات وی آمده است. همفر در ادامه‌ی سخن خود، راه‌هایی را که او و چند تن از هم‌دستان در تراشیدن یک «محمدبن عبدالوهاب» منطبق با خواسته‌ها و سیاست‌های دولت انگلیس پیموده‌اند، نشان می‌دهد. از جمله مسائلی که پس از مباحثات مزبور که آن‌ها را داریم به خورد وی می‌داده‌اند، این بوده است که وی صاحب رسالتی والا جهت نجات مسلمین و اصلاح وضع ایشان است و از این رو لازم است، «خروج» کند و «دعوت» خود را علنی سازد.

دولت انگلیس، هم چنین با پرداخت پول و واگذاری اسلحه‌ی کافی به «شیخ محمد» در صورت لزوم موافقت می‌کند و بنابر تمایل، مرکز اولیه‌ی فرمانروایی او، ناحیه‌ی کوچکی در نزدیکی نجد واقع در جزیره‌العرب قرار داده می‌شود.<sup>۱۵</sup>

در اواسط سال ۱۱۴۳، محمد بن عبدالوهاب، تصمیم قطعی خود را برای اعلام دعوت آیین تازه در جزیره العرب می‌گیرد و دوستانی را که با او هم عقیده بودند و وعده‌ی همکاری داده بودند، فرا می‌خواند.

پس از چندین سال که دعوت محمد بن عبدالوهاب و انتشار مذهب او مطابق برنامه‌ی تعیین شده، قرین موفقیت‌هایی می‌گردد، وزارت مستعمرات تصمیم می‌گیرد، از نظر سیاسی هم در جزیره العرب دست به کار شود. به همین رو یکی از عمال خود به نام محمد بن سعود را به همکاری با محمد بن عبدالوهاب مأمور می‌کند و برای این منظور، محرمانه، نماینده‌ای نزد محمد بن عبدالوهاب می‌فرستد تا هدف بریتانیای کبیر را برای او روشن سازد و بر لزوم همکاری و اشتراک این دو «محمد» نام تأکید کند. از این قرار که حل و فصل امور دینی با محمد بن عبدالوهاب و مسئولیت سیاسی با محمد بن سعود قرار داده می‌شود. ۱۶  
مستر همفر در کتاب خود چندین بار تصریح می‌کند که پیش‌بینی وزارت مستعمرات بریتانیا، در اوایل قرن هیجدهم میلادی این بوده است که امپراطوری عثمانی تا کمتر از یک قرن دیگر سقوط خواهد کرد. او می‌افزاید:

پس از چندین سال انجام مأموریت، و جلب توجه وزیر و معاون وزارت مستعمرات بریتانیا به من، دو کتاب قطور در اختیارم گذاشتند که حاوی آمار، ارقام، ارزیابی‌ها، بحث‌ها و استنتاج‌هایی دقیق و گزارشی قوی بود که اساس برنامه‌ریزی‌ها و خطوط اجرایی دولت بریتانیا در موضوعات و مسائل نظامی، مالی، فرهنگی و مذهبی را نشان می‌داد.

همفر می‌افزاید:

این موارد در حقیقت بهترین و عملی‌ترین برنامه‌هایی بود که من و همکارانم وظیفه داشتیم در ممالک اسلامی انجام دهیم. هم چنین معاون وزارت مستعمرات، پس از آگاهی من از رئوس برنامه‌های فوق محرمانه مزبور، به من گفت: «من به تو مؤده می‌دهم که ظرف یک قرن ما به آرزوهای خود خواهیم رسید و اگر نسل امروز انگلیس، شاهد

پیروزی‌های آینده نباشد، فرزندانمان روزهای خوش آینده را خواهند دید و چه نیکویی آن ضرب‌المثل ایرانی که می‌گوید: «دیگران کاشتند و ما خوردیم، ما بکاریم و دیگران بخورند!» هرگاه بریتانیای کبیر (ملکه‌ی دریاها) توفیق درهم شکستن اسلام و تسلط بر منطقه را پیدا کند، جهان مسیحیت از رنج‌هایی که در این دوازده قرن متحمل شده، به کلی رهایی خواهد یافت؛ چرا که مسلمین در این مدت انواع هجوم‌ها و جنگ‌ها را بر ما تحمیل کرده‌اند! (۱) جنگ‌های صلیبی هیچ سودی برای مسیحیت نداشت، همان‌گونه که یورش مغول، نخست با غارت و ویرانی سرزمین‌های اسلام همراه بود؛ ولی چون بی‌مطالعه و بدون هدف هجوم صورت گرفته بود، نتوانست اسلام را نابود کند. اما پیکار ما با اسلام، مانند مغول تنها با اقدام‌های نظامی و قتل و غارت نیست و شتابی در این کار نداریم. حکومت بریتانیای کبیر با مطالعه‌ی کامل در راه نابودی اسلام گام برخواهد داشت و برنامه‌هایی منظم و دقیق را با شکیبایی دنبال خواهد کرد و عاقبت به هدف نهایی خواهد رسید. البته ما در مواقع ضروری به اقدام‌های نظامی متوسل خواهیم شد؛ ولی عملیات جنگی آخرین راه‌حل خواهد بود و آن در مواقعی است که تسلط خود را بر کشورهای اسلامی کاملاً اعمال کرده باشیم و برای تثبیت آن و سرکوبی عواملی که احتمالاً با تسلط ما از در مخالفت در خواهند آمد، به اسلحه متوسل خواهیم شد. ۱۷

معطوف بودن توجه مستر همفر و وزارت اطلاعات کشور متبوعش به قرآن کریم و مراکز آموزش اسلامی، محدود به آنچه گذشت نمی‌شود. او در سراسر کتاب خود، ۹۹ بند از برنامه‌های دولت بریتانیا را - که به گفته‌ی خود او تنها بخشی از برنامه‌ها و نقشه‌های گسترده‌ی دولت مزبور جهت نیل به مقاصد استکباری و استعماری است - مورد اشاره قرار می‌دهد که سه بند آن‌ها را با توجه به موضوع این بخش در این جا می‌آوریم.

سنت‌های نیک اسلام، مانند بنای مساجد، مدارس، پرورشگاه‌ها و تأسیس

بنیادهای نیکوکاری همه باید از میان برود و یا لاقبل محدود گردد. این گونه امور وظایف دولت‌ها است؛ نه علمای دین؛ زیرا هرگاه دولت‌ها به این گونه کارها بپردازند، ارزش دینی آن از میان خواهد رفت (و به صورت ظواهری بی‌ریشه و کم‌اثر درخواهد آمد). ضرورت دارد در صحت و اصالت قرآن‌هایی که در اختیار مسلمین است، تردید روا داریم و با توزیع و انتشار قرآن‌هایی که چیزی کم یا زیاد از قرآن موجود داشته باشند، بر شک و تردید مردم نسبت به اصالت قرآن بیفزاییم. به ویژه باید توجه داشته باشیم که باید آیات اهانت‌آمیز(?) نسبت به نصاری، یهود و کفار و نیز آیات امر به معروف و جهاد را از قرآن به کلی ساقط کرد و نسخه‌هایی از این کتاب را به زبان‌های ترکی، فارسی و هندی ترجمه و منتشر کرد. باید حکومت‌های مسلمان غیر عرب را برانگیخت تا از قرائت قرآن، اذان و نماز به زبان عربی در قلمرو و خود جلوگیری کنند. موضوع دیگر لزوم تردید در روایات و احادیث است. از طرفی باید در احادیث هم مانند قرآن تحریف و ترجمه صورت گیرد.

باید برای جلوگیری از توسعه‌ی زبان و فرهنگ عربی در کشورهای مسلمان غیر عرب و تبلیغ و انتشار زبان و فرهنگ عربی در این سرزمین‌ها مانند زبان سانسکریت، زبان‌های ایرانی، کردی، پشتو و اردو اقدام کرد. باید اهتمام کرد تا لهجه‌های محلی رایج در قبایل و عشایر عرب‌زبان گسترش یابد و جای زبان فصیح عربی را بگیرند تا به این وسیله پیوند اعراب با زبان و فرهنگ قرآن و سنت منقطع گردد. ۱۸

پی‌نوشت‌ها

۱. بینش اسلامی و پدیده‌های جغرافیایی، ص ۵۸ و ۵۵.
۲. امانپور قرایی، ایرج، ارتباط مسجد با مراکز آموزشی، نشریه‌ی مسجد، سال ششم، شماره‌ی ۳۴، مهر و آبان ۱۳۷۶؛ به نقل از تاریخ دانشگاه‌های بزرگ اسلامی، صفحات ۴۸، ۵۸، ۸۹، ۹۰، ۹۲، ۳۳۳ و ۳۳۵.
۳. ابن بطوطه؛ رحله، ج ۱، ص ۵۶؛ به نقل از عبدالرحیم غنیمه، تاریخ دانشگاه‌های بزرگ اسلامی، ترجمه‌ی نورالله کسائی، صفحه‌ی ۶۹.
۴. رک: مؤلف؛ آموزش قرآن کریم در مکتب رسول اکرم ﷺ، صحیفه‌ی مبین، دوره‌ی دوم، شماره‌ی اول.
۵. تاریخ دانشگاه‌های بزرگ اسلام، صفحه‌ی ۶۹.
۶. وقف میراث جاویدان، سال ۳، شماره‌ی ۲ با تصرف و تلخیص.
۷. همان، با تصرف و تلخیص.
۸. تبجانی سماوی، محمد؛ ثم اهدتیت، مؤسسه‌ی البعثة، تهران، ۱۴۱۱، ص ۱۱-۱۲.
۹. گفتگوی نگارنده با چند تن از مسلمانان یوگسلاوی سابق، تابستان ۱۳۷۷.
۱۰. وقف، میراث جاویدان، پیشین، سخنان دکتر سیدمحمد باقر حجّتی.
۱۱. مجله‌ی سلام بچه‌ها و ویژه‌ی نوجوانان، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه‌ی علمیه‌ی قم، شماره‌ی ۵۵، مهر ۱۳۷۳، گزارش مصوّر: مکتب‌خانه، با تلخیص.
۱۲. رک: مؤلف؛ پیشین.
۱۳. عین صاد؛ تطهیر با جاری قرآن، انتشارات هجرت، قم، ۱۴۰۰ قمری، ص ۸.
۱۴. جهت اطلاع بیشتر از نحوه‌ی فاش شدن این مطالب محرمانه، رک: خاطرات همفر، جاسوس انگلیس در ممالک اسلامی، ترجمه‌ی دکتر محسن مؤیدی، امیرکبیر، تهران؛ ۱۳۶۲ ش، مقدمه.
۱۵. جدّ خاندان سعودی در سال ۱۱۴۷ هـ ق به مذهب وهاب‌گرایید و از سوی انگلیس به حکومت نجد رسید و در سال ۱۱۷۹ هـ ق درگذشت.
۱۶. خاطرات همفر، ص ۳۶. نگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
۱۷. همان، ص ۸۷-۸۹.
۱۸. همان، ص ۹۴. ژئال جامع علوم انسانی